

متن پرسش

سلام و عرض ادب خدمت استاد گرامی: استاد من واقعا درک می‌کنم یه حضور تاریخی در جریانه و من باید زرنگ باشم که از این حضور تاریخی جا نمونم. معنای حق و باطل رو خیلی خوب فهمیدم ولی نمیتونم بیانش کنم وقتی بقیه در مورد سیاست حرف می‌زنن می‌دونم دارن اشتباه میگن ولی نمیتونم دفاع کنم و اصلا حوصله بحث و جدال ندارم باهاشون. به دلیل شغل همسرم که در این شرایط نمیتونن منزل باشن و باید برای مقابله با جبهه کفر وارد عمل بشن و این چند وقت در منزل تنها بودیم و منازل مون هم جای حساس و خطرناکی هست و اینکه واقعا از صدای جنگنده و بمب داشت قلبم می‌ایستاد اومدیم شهرستانی که هیچ خبری از حوادث جنگ نیست. استاد دلنگرانیم از نبودن همسر یک طرف و اینکه اینجا هستیم مرتب شبکه اینترنتشال روشنه. خانواده طرف جبهه کفر هستند و مادرم هم مجبوره یه بار طرف منو بگیره و یه بار طرف اونا بیشتر داره کلافم می‌کنه، پیش خودم می‌گفتم اگر همونجا زیر بمب و این صداها می‌موندم هزاران بار بهتر از این بود که پیام اینجا. پسر هم مرتب می‌گه برگردیم. استاد موندنم چیکار کنم. بین دلنگرانیم های مادرم و فشاری که روی من هست و از طرفی خیلی می‌ترسم. نمیدونم چرا.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در این‌که به خوبی می‌توان گفت در چنین فضایی که به زیبایی تمام حق در مقابل باطل ایستاده و جای هیچ ترسی نیست؛ حرفی نداریم و هرکس باید حتی تا مرز زیباترین زندگی و حضور که شهادت است، خود را بیابد و با توجه به این امر بررسی فرمایید در کجا می‌توانید با روحیهٔ سلحشورانهٔ خود نقش‌آفرینی کنید به همان معنای حضور نرمی که بانوان توانایی بیشتری دارند تا معنای مقاومت را نشان دهند. <https://eitaa.com/matalebevijeh/۲۱۹۴۸> موفق باشید